

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فروریختن حمایت مردمی؛ چرخش افکار عمومی علیه امریکا و رژیم یهود

(ترجمه)

**خبر:**

بر اساس آخرین نظرسنجی‌ها، مخالفت مردم امریکا با حمله نظامی ترامپ بر ایران به سطحی رسیده که با مخالفت‌های گسترده دوران جنگ‌های عراق و ویتنام مقایسه می‌شود. (واشنگتن پُست)

**تبصره:**

نتایج تازه‌ترین نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که مخالفت مردمی در امریکا با حمله به ایران، به‌گونه چشم‌گیری در حال افزایش است. بر اساس نظرسنجی مشترکی که از سوی روزنامه واشنگتن پُست، شبکه ABC News و مؤسسه Ipsos انجام شده، ۶۱ درصد امریکایی‌ها باور دارند که استفاده از نیروی نظامی علیه ایران یک اشتباه بوده است.

این میزان مخالفت، حتی از مخالفت‌های ابتدایی مردم امریکا با جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ نیز بیشتر دانسته می‌شود. همچنان ۶۰ درصد اشتراک‌کنندگان گفته‌اند که این درگیری می‌تواند احتمال رکود اقتصادی را افزایش دهد و ۵۶ درصد دیگر نیز باور دارند که این جنگ، امریکا را ضعیف‌تر می‌سازد.

مجموع این ارقام نشان می‌دهد که اکثریت مردم امریکا، این جنگ را نه وسیله‌ای برای تأمین امنیت ملی، بلکه عاملی برای گسترش بحران و بی‌ثباتی می‌دانند.

این مخالفت‌ها در حالی افزایش یافته که نارضایتی‌های اقتصادی نیز در داخل امریکا رو به گسترش است. با بالا رفتن قیمت سوخت به بلندترین سطح در چهار سال گذشته، نیمی از امریکایی‌ها پیش‌بینی می‌کنند که قیمت تیل در سال آینده باز هم افزایش پیدا کند. همین وضعیت باعث شده بسیاری از خانواده‌ها از هم‌اکنون در شیوه زندگی و مصارف روزمره خود تغییر بیاورند.

بر اساس نظرسنجی‌ها، ۴۰ درصد مردم گفته‌اند که وضعیت مالی‌شان نسبت به زمانی که ترامپ در سال ۲۰۲۵ دوباره به قدرت رسید، بدتر شده است؛ در حالی‌که چند ماه پیش این رقم ۳۳ درصد بود. همچنان ۲۳ درصد اشتراک‌کنندگان گفته‌اند که از نگاه اقتصادی عملاً در حال عقب‌گرد هستند. افزون بر این، بیش از ۴۰ درصد امریکایی‌ها به دلیل افزایش قیمت سوخت یا کمتر از موترهای خود استفاده می‌کنند و یا مجبور شده‌اند بخشی از مصارف دیگر زندگی‌شان را کاهش دهند.

در همین حال، اداره امریکا هنوز تلاش دارد این تصویر را به افکار عمومی القا کند که ایران فلج شده، امریکا کنترل کامل اوضاع را در دست دارد و این رویارویی یک «پیروزی بزرگ استراتژیک» به شمار می‌رود. اما پشت این شعارها، ارزیابی‌های داخلی تصویر کاملاً متفاوتی را نشان می‌دهد.

ایران هنوز بخش بزرگی از توانایی‌های موشکی خود را حفظ کرده و نزدیک به دو سوم نیروی هوایی آن همچنان فعال است. افزون بر این، تهران در تنگه هرگز نیز از توانایی دریایی قابل توجهی برخوردار است؛ توانایی که می‌تواند یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های انرژی جهان را با اختلال روبه‌رو سازد.

در مقابل، امریکایی‌ها که همواره به‌عنوان یک قدرت شکست‌ناپذیر معرفی می‌شود، اکنون با سرعت نگران‌کننده‌ای در حال مصرف موشک‌های توماهوک، راکت‌های رهگیر و دیگر مهمات کلیدی خود است؛ آن‌هم در شرایطی که ذخایر تسلیحاتی این کشور از قبل نیز زیر فشار سنگین ناکامی‌های سیاسی و بحران‌های پی‌هم قرار داشت.

واقعیت میدان، نه از اقتدار و تسلط کامل، بلکه از فرسایش تدریجی و ضعف فزاینده امریکا حکایت می‌کند.

در حالی که از مردم عادی امریکا خواسته می‌شود پرچم‌ها را بلند کنند و شعار «اول امریکا» را تکرار نمایند، در عمل این خود مردماند که هزینه اصلی این جنگ را می‌پردازند. افزایش بهای سوخت، بلندرفتن هزینه‌های زندگی، بی‌ثباتی اقتصادی و خطر روبه‌افزایش کمبود انرژی، کودهای کیمیایی، مواد پتروشیمی و حتی گاز هیلیموم، همگی از پیامدهای مستقیم این جنگ نادرست و حساب‌نشده به‌شمار می‌روند.

واقعیت آن است که هر دور تازه‌ای از جنگ، به فرسایش بیشتر ذخایر نظامی امریکا خواهد انجامید و ضعف آنچه «چتر امنیتی امریکا» در خلیج خوانده می‌شود را آشکارتر خواهد ساخت. همچنان افسانه «نیرومندترین ارتش تاریخ» را نیز زیر سوال می‌برد؛ ارتشی که با وجود تمام توانایی‌های نظامی خود، هنوز نتوانسته رویارویی با یک قدرت منطقه‌ای زیر شدیدترین تحریم‌ها را به‌گونه قاطع پایان دهد.

سوال اساسی اینجاست که آیا اداره امریکا واقعاً به رفاه و زندگی شهروندان عادی امریکایی اهمیت می‌دهد؟ و اگر چنین نیست، چرا از میزان خسارت‌های خود نمی‌کاهد و عقب‌نشینی نمی‌کند؟

پاسخ شاید این نباشد که عقب‌نشینی ناممکن است؛ بلکه مسئله آن است که چنین اقدامی با اولویت‌های سیاست خارجی استعماری امریکا و رژیم یهود در تضاد قرار می‌گیرد.

در همین‌جا واقعیت شعار «اول امریکا» آشکار می‌شود؛ شعاری که در عمل چیزی جز تبلیغات توخالی نیست. زیرا در این سیاست‌ها، هیچ چیزی واقعاً امریکا و مردم آن را در اولویت قرار نمی‌دهد. در حالی که مالیه‌دهندگان امریکایی زیر فشار روزافزون اقتصادی قرار دارند، ثبات اقتصادی داخلی با تهدید روبه‌رو شده و کشور به‌سوی یک جنگ تازه و بی‌پایان سوق داده می‌شود؛ جنگی که هدف اصلی آن، تأمین منافع استعمار امریکا و حفظ رژیم سرطانی یهود است.

بر اساس پژوهشی که مرکز «پیو» در تاریخ ۷ اپریل منتشر کرده، نظر ۶۰ درصد امریکایی‌ها نسبت به رژیم یهود منفی است؛ موضوعی که نشان‌دهنده تغییر قابل توجه افکار عمومی در داخل امریکا می‌باشد.

این شکاف به‌ویژه در میان دو حزب امریکا به‌گونه آشکار دیده می‌شود؛ چنان‌که نزدیک به ۸۰ درصد دموکرات‌ها دیدگاه منفی نسبت به رژیم یهود دارند. هم‌زمان، میزان مخالفت در میان جمهوری‌خواهان نیز رو به افزایش است؛ طوری که این رقم در مجموع به ۴۱ درصد رسیده و در میان جمهوری‌خواهان ۱۸ تا ۴۹ ساله به ۵۷ درصد افزایش یافته است.

این تحول از آن جهت قابل توجه است که امریکا بزرگترین حامی رژیم یهود به‌شمار می‌رود؛ کشوری که میلیاردها دالر کمک نظامی در اختیار آن قرار می‌دهد، بخش بزرگی از تجهیزات دفاعی‌اش را تأمین می‌کند، بزرگترین شریک تجاری آن محسوب می‌شود و همواره پشتیبانی سیاسی و دیپلماتیک خود را نیز برایش فراهم ساخته است؛ از جمله استفاده مکرر از حق وتو در شورای امنیت سازمان ملل.

به‌نظر می‌رسد هر چه هزینه‌های این حمایت افزایش یابد، فضای مردمی مخالف جنگ و مخالف رژیم یهود نیز گسترده‌تر خواهد شد.

همچنان روشن است که بازگشت دوباره خلافت، می‌تواند روند فرسایش حمایت مردمی از استعمار امریکا و رژیم یهود را سرعت بخشد؛ به‌ویژه در شرایطی که مردم بیش از پیش درک می‌کنند هزینه‌های ادامه این حمایت، بسیار سنگین‌تر از منافعی است که برای آن ادعا می‌شود.

نویسنده: هیثم بن ثبیت

21 ذی القعدة 1447

9 می 2026

مترجم: طه خالد

